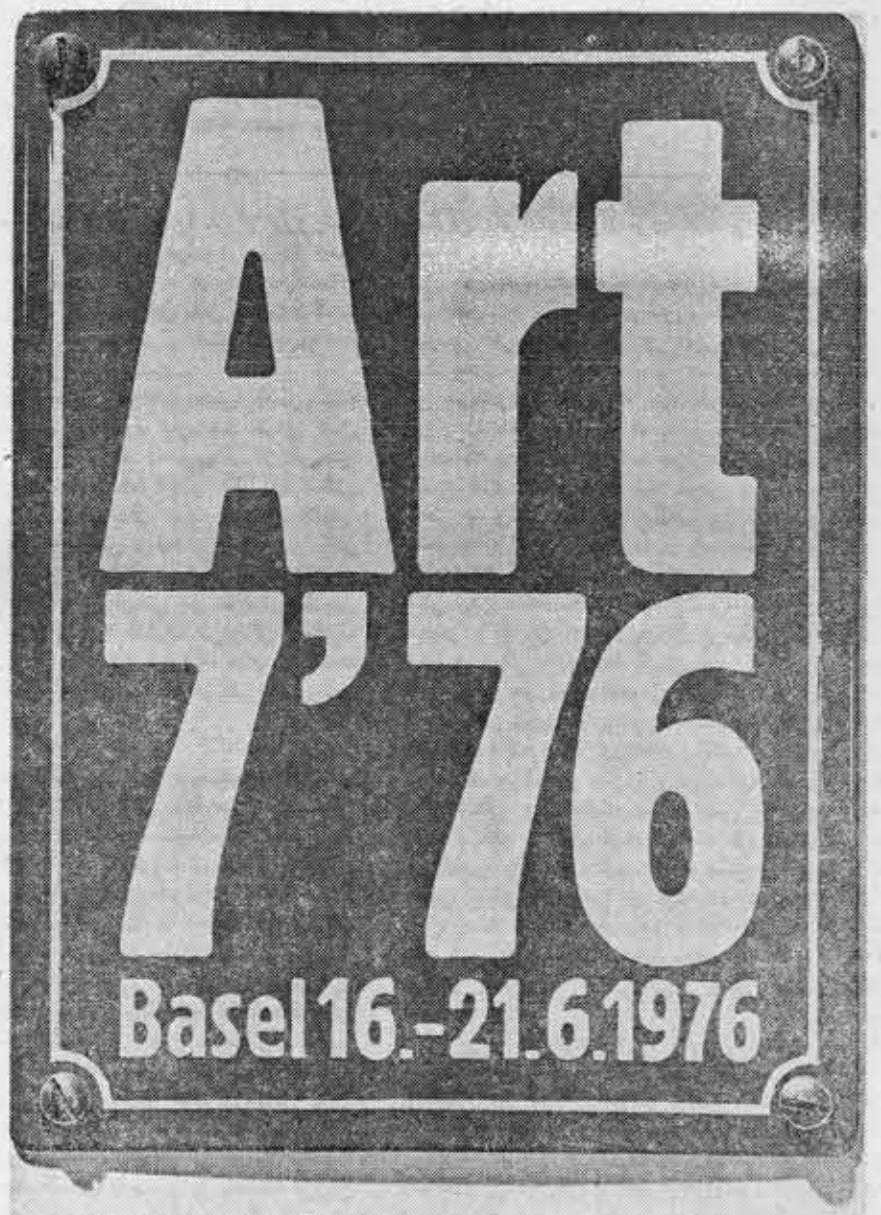
لحظه‌ای حساس، برای هنرهای تجسمی ایران

گفتگویی با هنرمندان و دست در کاران شرکت کننده در هفتمین نمایشگاه و بازار بین المللی «بال» سوئیس (بخش آخر)



نمایشگاه بال ۱۹۷۶ : چـــه کردیم ؟

★ این حرفی که شما، آقـای آغداشلو، می‌زنید، برای مـن بسیار جالب و حتی شگفت‌انگیز است. شما می‌گوئید قیمت یک تابلوی نقاشی را مقدار وقتی که صرف ساختنش شده باید تعیین کند. به این ترتیب، مثلاهر کسی که کارش فقط از دوتا «تاش» رنگی به وجود آمده باید از گرسنگی بمیرد، و هرکس که مثلا مینیـاتور پرکاری کشیده، بیشترین قیمت را بر روی کارهای خود بگذارد. تصدیق می‌کنید که این به هیچ وجه منطقی نیست.

آغداشلو ـ من در مورد کار خـودم حرف می‌زدم. شاید آن کسی که کارش فقط دوتا «تاش» است، عمری را صرف رسیدن به این شکل بیانی کرده باشد. ولی به‌طور کلی، در این جمع، من مدافع قیمت کنونی آثار ایرانی هستم.

سیحون ـ من باهمین قیمت‌های کنونی هم موافق نیستم. دلیل ندارد اگر کسی علاقه داشت یک تابلو نقاشی بخرد، قیمتش آنقدر باشد که مجبور شود از اجاره منـزل و خرج لباس و خوراکش برای پرداختن آن بگذرد.

آغداشلو ـ مگر در خارج از ایران هم وضع همینطور نیست.

سیحون ـ خود شما، آقای آغداشلو، بارها شده که خواسته‌اید یک تابلو ازکسی بخرید، چقدر سعی کرده‌اید بلکه بتوانید آنرا اندکی ارزانتر به دست آورید؟

آغداشلو ـ خوب، اگر هـم پـول نداشته‌ام، نخریده‌ام. اصولا نقاشی، متعلق به همه‌ی مردم نیست. هنر نقاشی، بورژوا است و متاسفانه متعلق به پولدارها.

سیحون ـ اما دراین مملکت که گالری هنری، پدیده‌ی نوپائیست، اصولا هنرمدرن نوپاست و تابلو خریدن هم کار تازه‌ای به حساب می‌آید، نباید ما این روند تازه‌ای را که به وجود آمده در نطفه خفه کنیم.

آغداشلو ـ خوب مردم‌بروند لیتوگرافی یا طراحی بخرند. اصلا چرا در ایران رسم نیست که مردم طرح بخرند، در حالی کـه طرح چیز بسیار زیبائی است.

★ من فکر می‌کنم ما درلحظه‌ی حاضر ـ به ویژه پس از رفتن نمونه های هنرمان به جایی مثل نمایشگاه «بال» ـ در موقعیت حساسی هستیم. یعنی اکنون مشکلاتی داریم که بیش از این نداشته‌ایم: تا بحال در چار دیواری این مملکت کارها را می ـ فروختیم، آنهم با قیمت‌هایی که چند عامل تعیینش می‌کردند. مشکلی هم ظاهرا وجـود نـداشت. آدمها و دستگاههای ویژه‌ای‌مشتری وخریدار بودند، پولی صرف خرید نقاشی و تذیینش می‌کردند، نقادی‌کار فروخته می‌شد و به هر حال مشکلاتمان در حد داخلی و بین خودمان بود. اما در این لحظه رفته‌ایم، در نمایشگاهی شرکت کرده‌ایم، دیده‌ایمکه به‌دلیل نظام اشتباه قیمتگذاری و قیمتهای نامعقول آثار هنرمندانمان هیچکس جیـزی از ما نخریده. حالا برگشته‌ایم و نمی ـ دانیم چکار کنیم. هر راه حلـی را برمی‌گزینیم، می‌بینیـم عـوارض و مشکلاتی به وجود می‌آورد. به‌گمان من در لحظه‌ی حاضر، باید بحث‌ها گفتگوها و تبادل نظرهای بسیاری‌را آغاز کنیم تا به نتیجه‌ای قـطعی و عملی برای بیوند دادن بازار هنـر ایران و بازار بین‌المللی برسیم. به همین دلیل هم من در این گفتگـو مدام می‌کوشم بـحث را در سطـح «قیمت» و «تجارت هنر» نگه دارم.

کلانتری ـ ولی مادر این‌گفتگو مدام، مثل صرافها، ازمسائل مالی و خرید و فروش حرف زدیم. ایکاش اندکی هم درباره‌ی جنبه‌های دیگـر نمایشگاه «بال» گفتگو می‌کردیم.

★ درست است، ولی‌فراموش نکنید که شما از یـک «بـازار» بـاز گشته‌اید.

دریابیگی ـ اجازه بدهید من توضیحی بدهم که شاید در جهت خـواست کلانتری باشد. در نمایشگاه «بال» گالری‌هایی بودند که کارهایی بنجل، در حد کارهای کنـار خیابان منوچهری خودمان عرضه کـرده بودند. من به عنوان یک عضو کمیته ایرانی برگذاری این نمایشگاه، نمی‌دانستمکه اصولا کنترلی در ورود آثار به نمایشگاه وجـود دارد یا هر تابلو یا مجسمه‌ای می‌تواند در آنجا به نمایش گذاشته شود. این را هنوز هم نفهمیده‌ام، اما فکر می‌کنم کـه صاحبان گالری‌ها کرایه‌ای بابت یک غرفه یا دیـوار پرداخته بودند و هر چه می‌خواستند به دیوارها آویخته. من شخصا سه‌بار تمام نمایشگاه را با دقت دیدم. یکبار برای اینکه ببینم چه نوآوری‌هایی در کارهـا هست. یکبار برای اینکه تکنیک‌هـای مختلف را که به وسیله‌ی هنرمندان تجسمی به‌کار گرفته شده بررسی کنم، و یکبار هم از نظر قیمت آثار.

تکنیک کارها، از آثار آن گالری‌های تجارتی و مبتذل که بگذریم، گاه بسیارجالب بود، ماتریالهای خوب و تازه‌ای بـه کار گرفته شده بود (به عنوان نمونه در بخش‌هایی که هنر امریکاییها در آن عرضه شده بود ـ مثلا کار «راشنبرگ» با آن کارهایش که بازگشتی به سطح به حساب می‌آید، و از نی‌هایی که در ساختن بادبادکها از آنها استفاده می‌شود تشکیل می‌شـود. ساده، بی‌هیچ رنگ. یا کار آن هنرمند لهستانی ساکن آلمان که غرفه‌ای در نمایشگاه داشت کمربندی درست کرده بود که قلابش مثل ساعتهای «دیجیتال» مدام روشن و خاموش می‌شد و خیلی هم قشنگ بود. قیمتش هم خیلی گران نبود. فکر می‌کنم شش ماه دیگر ژاپنی‌ها هزارها از این کمربند بسازند و به بازار بفرستند!).

پیلارام ـ من می‌خواهم به مساله‌ای سوای قیمت کارها، اما به شدت مربوط به موضوع شرکت ما در نمایشگاه «بال» اشاره کنم. فکر می‌کنم بهتر است به جای کارهای نزدیک به چهل نفری که امسال به «بـال» رفتند، سال‌های دیگر هنرمندان کمتـری انتخاب شوند در عوض می‌توان چندین‌کار از هرکس به نمایشگاه فرستاد تا شناخت جامع‌تر و کاملتری از کار هرکس در آنجا به وجود آید. حتی بدنیست اگر برای این نمایشگاه بخصوص، به نقاش‌ها و مجسمه‌سازها سفارش ساختن کار داد، کارهایی که با توجه به سلیقه و وضع نمایشگاه «بال» ساخته شده باشد. تابلویی که پشتش تار عنکبوت بسته یا چارچوبش آنقدر کج و معوج است که باید با ده میخ به دیـوار چسباندش، دلیل ندارد به «بال» برود. باز هم می‌خواهم تاکید کنم که بایـد در کنـار تابلوها، آثار لیتوگرافی هم به مقدار زیاد عرضه شود.

باحتی دانش شیمی ، بـرای ساختن مواد و دستمایه‌های تازه‌ی کار،کار-های ایرانی‌ها، از این نظر، درمقایسه با دیگران چگونه بود؟

کریاسی ـ در میان کارهای نقـاشان ایرانی شرکت کننده در «بال»، تکنیک‌هایی به کار گرفته شده بود که مطلقا همتا نداشت. بهترین نمونه‌ی این‌ها، کار پرویز کلانتری بود که معادلی از نظر «ماتریال» برایش در تمام نمایشگاه وجود نداشت. کارهای او، معرف یک دستمایه‌ی کاملا ایرانی بود که در چارچوب نقاشی به کار گرفته شده بود. بنابراین، می‌بینیم که جستجو و پژوهش در مصالح کار از هنرمند ایرانی هم بر می‌آید. به‌علاوه، یکی از هدفهای این نمایشگاه، و یکی از نتیجه‌هایی که می‌تواند داشته باشد همین برخورد و کنار هم قـرار گـرفتن تکنیک‌های مختلف است. به هر صورت، از نظر جستجوی تکنیک‌ها و روش‌های کار، ضعفی در کار نقاشان خودمان ندیدیم .

سیحون ـ اما ضمنا کارهای بسیـار ضعیف از نظر تکنیک در میان کارهنرمندان، وجود داشت. بنابراین اگر هنرمندان مـا می‌خواهند به‌تکنیک‌های مدرن متوسل‌شوند یابابد در سطح جهانی باشند ، یا بهتر است اصلا از این کار صرفنظر کنند.

پیلارام ـ حرف خانم سیحون کـاملا درست است. من، به مناسبت کاری که‌دارم شاید بیش از هزار اسلاید از کارهای‌عرضه شده در «بال» تهیه کرده‌ام تا به شاگردانم نشان دهم. چیزی‌که در بیشتر این آثارتوجه را جلب می‌کرد، کیفیت و استحکام «اجرا» بود که گاه واقعا به شاهکاری تبدیل می‌شد، اما بی آنکه بخواهم اسمی از کسی ببرم ، می‌خواهم بگویم که مساله اجـرا در کار بسیاری از هنرمندان ما دچار بی‌توجهی شده است.

★ اجازه بدهید آقای نامی هم که در کارهای خود دستمایه‌هـای تازه‌ای را به‌کار می‌گیرند، بخواهیم که در مورد مشکلات و مسائلی که در راه استفاده از تکنیک‌های تازه و مواد تازه‌ی کار در ایران وجـود دارد، توضیح بدهند. آیا واقعا در این مورد هم می‌توانیم مساله‌ی‌کمبود امکانات را پیش بکشیم؟

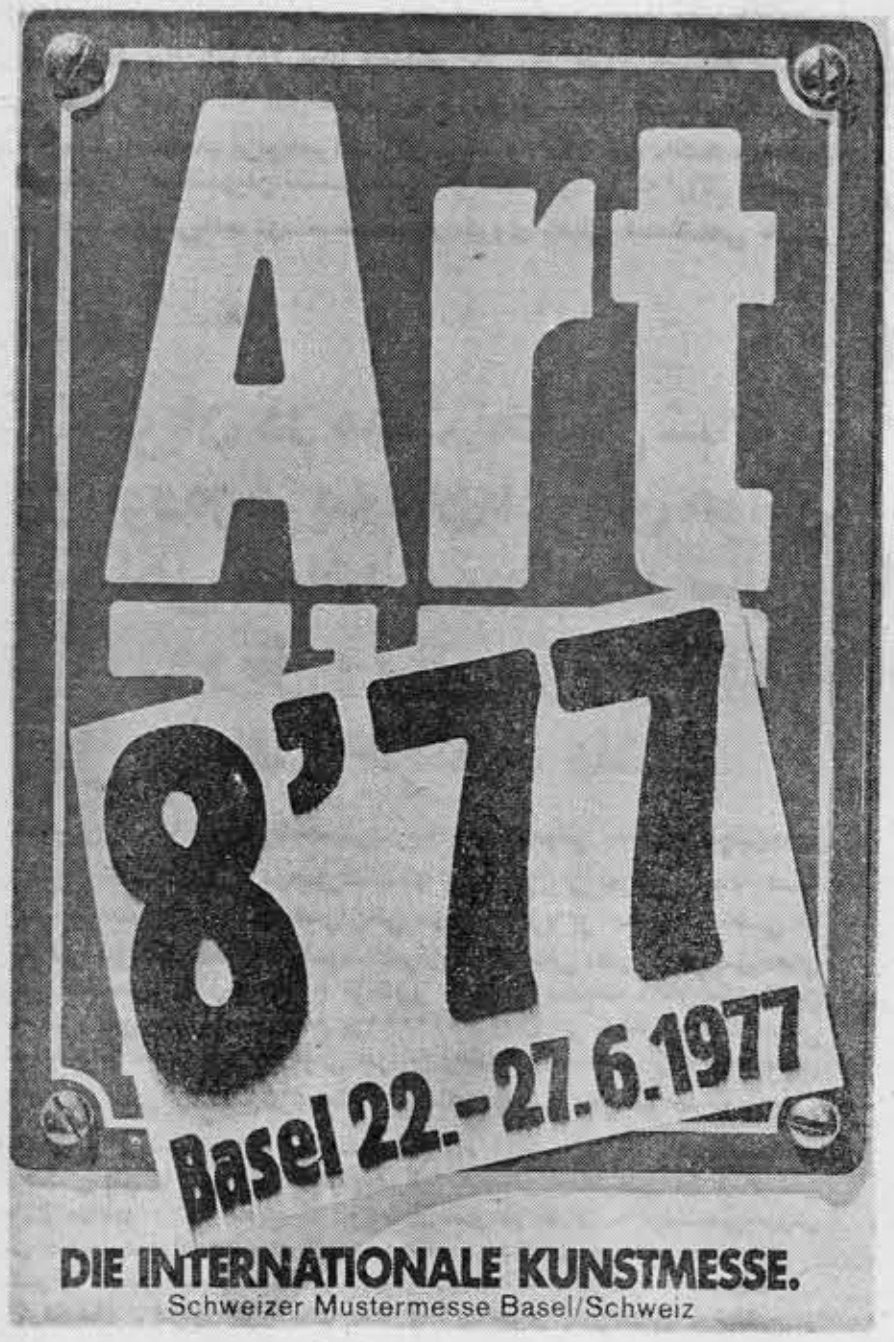
نامی ـ فکر نمی‌کنم‌که یک هنرمند حتما ماتریال معینی را باید ازآن سوی دنیابیاورد و باآن کار کند. هر دستمایه‌ای می‌تواند با ذهنیت نقاش منطبق شود، به شرطی کـه نقاش واقعا مایه‌اش را داشته باشد. امـا البته یک موضوع دیگر هم مطـرح است. مثلا نقاش فکری دارد که پیاده کـردنش دقیقا نیازمند در اختیار داشتن ماده یاجنس مخصوصی است که بدون آن بیان مقصود ممکن نیست . در اینگونه موارد ، مساله‌ی وجود یا عدم امکانات مطرح می‌شود. خود من، یکبار می‌خواستم برای ساختن یکی‌از کارهایم از پلاستیک مخصوصی استفـاده کنم. این پلاستیک نسوز را در ایران پیدا نکردم، بعد خواستم از ایتالیا بخرم، دیدم کهباید تقریبا حقوق یکسالم را برای خرید مثلا بیست‌متر از آن بپردازم. به این ترتیب مجبور شدم از چیزی استفاده کنم که‌مطلقا آن کیفیت را ندارد. اینجاست که واقعا می‌شود به دولت پیشنهاد کرد که ماتریال‌ها و وسایلی را که هنرمندان لازم دارند و در دنیا برای ساختن کارها معمول است، بـا سهیلات گمرکی زیاد یا اصولا بدون‌گرفتن حقوق گمرکی، وارد کند و در اختیـار هنرمندان بگذارد.

★ اجازه بدهید بـه عنوان موخره، از خانم گلستان که اطلاع دارند بپرسم که نتایج علموس‌تـر شرکت در نمایشگاه «بال» چه بوده است. آیا دعوتی از هنرمندان مـا شده که در رویدادهای دیگری هم شرکت کنند؟

گلستان ـ از امریکا، برای شرکت در بازار مکاره‌ی هنری بزرگی که در ماه‌آوریل در هوستون ـ تگزاس برپا می‌شود، از ما دعوت شده است. از وین، باز برای‌شرکت در بازار دیگری در ماه سپتامبر دعـوت دریافت کرده‌ایم. یک گالری لندنی، از همین مجموعه‌ی «بال» دعوت کرد که بلافاصله در لندن به نمایش دربیاید، که البته ما به دلیل نامناسب بودن فصل و تجدید نظری که در بعضی کارها فکر می‌کردیم باید بکنیم، آنرا به بعد موکول کردیم. یک کارشناس‌معروف سوئیسی، معتقد بود کـه پس از دوسال جستن، آدمی را به اسم «عربشاهی» کشف کرده است. از پیلارام، مافی و کلانتری، گالری داری به‌نام «کولمار» که در یکی از شهرهای فرانسه یک گالری مهمدارد، دعوت کرده که نمایشگاهی از کارهاشان در آنجا برپا کنند. از آلمان، یک گالری «کلن»ی از آقای پیلارام برای نمایش آثارش دعوت کرده است . یک گالری پاریسی ، ازهمه‌ی خطاطان ما دعوت کرده که نمایشگاهی در آنجابرپاکنند.بسیاری جاهای‌دیگر هم ازما دعوت کرده‌اند که‌الان مشخصات دقیقشان به‌خاطرم نیست .

★ از همه، بسیار متشکرم.

بهروز صور اسرافیل



نمایشگاه بال ۱۹۷۷ : چه‌باید بکنیم ؟

★ حالا کـه آقـای کلانتری اعتراض کردند که ما مدام به مساله‌ی خرید و فروش کارها می‌پردازیم، بد نیست که سعی کنیم نظر ایشان هم با حدی تامیـن شود و جنبه‌هـای کیفی کار هم مورد توجه قرار گیرد. بنابراین اجازه بدهید از خانم لیلی گلستان بپرسم که آثار ایرانیان‌هنرمند را در «بال» در مقایسه با کارهـای دیگران چگونه یافتند. چه جنبه‌هایی از کار نقاشان و مجسمـه سازان ایرانی مورد توجه خارجی‌ها و هنر شناسان قرار گرفت. جنبه‌های زیبایی شناختی آنها، تکنیک‌های ویژه‌شان‌و یا فقط ویژگی «اگزوتیک» بودن و غریب بودنشان در نظر نـاآشنایان. خلاصه، می‌خواهم بدانـم کـه آیـا توجهی که به آثار ایـرانی‌ها شد، واقعا به‌خاطر کیفیات جهانیشان بود یا به خاطر (مثلا) همان توجهی که ممکن است ما به کار یک نقـاش پریمیتو مکزیکی یا فلیپینی ، به خاطر نخستین برخورد و غریب بـودنش بکنیم.

گلستان ـ در این مورد، واقعا نمی ـ تواند پاسخ قاطعی داد. زیرا مثـلا هم از کارهای مریم جواهری که بسیار مدرن و در مکتب نیویورک بود بسیار استقبال شد و هم از کار پیلارام، مافی یا احصایی کـه کالیگرافی بود. من فکر می‌کنم‌که هنرشناسان نمایشگاه «بال»، در واقع فـریب آثـار «اگزوتیک» را نخوردند و دقیقا به خاطر ارزش‌های جهانیشان، هم به آثاری که در آنها رنگ و شیوه‌ی ایرانی وشرقی وجود داشت توجه کردند و هم به کارهای مدر هنرمندان ما. اما آنچه در برخوردهامشترک بود، تعجب آنها بود از کیفیت خوب کـ هنرمندان ما. در واقع ارزش‌های «ایرانی و «شرقی» کارها نیز به عنوان یک ارزش جهانی مورد قبول و تحسین قرار گرفت.

★ آقای کریاسی، آیا فکرنمی‌کنید از نـظر «تکنیک» کار، آثـار هنرمندان ایرانی محـدودتر از کار خارجی‌هاست که به ویژه درسالهای یکی دو دهه اخیر صدها شیوه و فن تازه‌ی کار را کشف کرده‌اند و به‌کار گرفته‌اند. مثلا چقدر «الکترونیک» به کار آفرینش آثار تجسمی گرفته شده،